

گزارش

حضور ۲۸ میلیون ایرانی در دهک های پایین

۱۳.۶ میلیون نفر در طبقه ثروتمندان

براساس آخرین واریز یارانه نقدی (اول مرداد ماه) ۷۳ میلیون و ۴۳۷ هزار و ۷۱۲ نفر در قالب دهک های اول تا نهم یارانه گرفته‌اند که نشان می‌دهد امسال جمعیت یارانه‌بگیران کاهش نیافته است؛ بااین حال در برخی ماه‌های تغییراتی در دهک برخی خانوارها رخ می‌دهد که علت آن به‌روزرسانی اطلاعات درآمد، دارایی، تراکنش‌های بانکی خانوارها و سایر شاخص‌های مورد استفاده در پایگاه رفاه ایرانیان است.

به گزارش ایسنا، پس از آنکه دولت در راستای قانون بودجه ۱۴۰۴ مصوب مجلس ملزم به حذف یارانه دهک‌های پردرآمد شد، تا پایان سال گذشته حدود ۹ میلیون نفر از لیست یارانه‌بگیران سه دهک ۱۰ تا ۱۰۸ خارج شدند که جمعیت افراد مشمول یارانه تا اسفند سال گذشته به ۲۲.۴ میلیون نفر رسید. در حال حاضر نیز تقریباً همین تعداد افراد مشمول دریافت یارانه نقدی هستند. از ابتدای سال جاری تاکنون جمعیت افراد مشمول یارانه در دهک‌های اول تا سوم و همچنین چهارم تا نهم افزایش داشته است.

آمارهای منتشر شده از سوی سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نشان می‌دهد در مردادماه ۱۴۰۵، تعداد افراد قرار گرفته در دهک‌های اول تا سوم به ۲۸ میلیون و ۷۱۳ هزار و ۱۴۲ نفر و جمعیت دهک‌های چهارم تا نهم به ۴۵ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۵۶۹ نفر رسیده است؛ به این ترتیب در مجموع حدود ۷۳ میلیون و ۴۳۸ هزار نفر در این دو گروه مشمول دریافت یارانه نقدی بوده‌اند. مقایسه این ارقام با ماه‌های قبل نشان می‌دهد جمعیت دهک‌های پایین در مردادماه افزایش محسوسی داشته است، در حالی که در دهک‌های چهارم تا نهم نیز روند افزایشی ادامه یافته است.

اکنون طبق اعلام مرکز آمار، رقم فعلی جمعیت کشور ۸۷ میلیون و ۷۲۳ هزار و ۵۵۴ نفر برآورده شده است که ۷۳ میلیون ۴۳۷ هزار و ۷۱۲ نفر یارانه می‌گیرند و ۱۳ میلیون و ۶۳۵ هزار و ۸۴۲ نفر از لیست یارانه‌بگیران حذف هستند.

افزایش دهک‌های اول تا سوم

براساس آخرین آمار اعلام شده، در مردادماه امسال ۲۸ میلیون و ۷۱۳ هزار و ۱۴۲ نفر در دهک‌های اول تا سوم قرار داشته‌اند. این رقم در تیرماه ۲۸ میلیون و ۱۶۵ هزار و ۷۸۷ نفر بود. به این ترتیب، جمعیت سه دهک پایین درآمدی در فاصله تیر تا مرداد ۴۷ هزار و ۲۵۶ نفر افزایش یافته است.

در حالی است که در خردادماه، جمعیت دهک‌های اول تا سوم ۲۸ میلیون و ۱۶۸ هزار و ۹۱۹ نفر اعلام شده بود؛ بنابراین تعداد افراد این گروه در تیرماه حدود ۳۰۰۰ نفر کاهش یافت، اما در مردادماه مجدداً روند افزایشی پیدا کرد.

در اردیبهشت ۲۷ میلیون و ۹۱۷ هزار و ۲۶۹ نفر در سه دهک نخست قرار داشتند. در نتیجه، طی فاصله اردیبهشت تا مرداد، جمعیت این سه دهک حدود ۲۹۶ هزار نفر افزایش داشته است.

یارانه‌بگیران واقعی سه دهک نخست

در کنار جمعیت دهکی، آمار پرداخت یارانه نیز قابل توجه است. در مردادماه، یارانه نقدی مرحله ۱۸۶ برای ۱۰ میلیون و ۲۸۶ هزار و ۲۹۹ سرپرست خانوار در دهک‌های اول تا سوم واریز شد. مقایسه این رقم با تیرماه نشان می‌دهد تعداد سرپرستان خانواری که یارانه این سه دهک را دریافت کرده‌اند، از ۱۰ میلیون ۳۶۷ هزار و ۸۹۸ نفر در تیرماه به ۱۸ میلیون و ۲۸۶ هزار و ۲۹۹ نفر در مردادماه رسیده است. یعنی ۱۰ هزار و ۹۰۱ سرپرست خانوار بیشتر یارانه هر فرد در این سه دهک همچنان می‌گیرند. با توجه به این بوده و سازمان هدفمندسازی در مردادماه حدود ۱۱۲ هزار و ۸۵۲ میلیارد ریال برای این گروه پرداخت کرده است.

در دهک‌های چهارم تا نهم

در گروه دهک‌های چهارم تا نهم نیز جمعیت مشمول یارانه در مردادماه افزایش یافته است. براساس آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که در اطلاعیه‌های مرتبط با پرداخت یارانه منتشر شده، جمعیت این گروه در مردادماه به ۴۵ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۵۶۹ نفر رسیده است.

این رقم در تیرماه ۲۵ میلیون و ۱۷۵ هزار و ۴۴۴ نفر بود؛ بنابراین طی یک ماه ۴۹ هزار و ۱۲۵ نفر به جمعیت این گروه اضافه شده است. در خردادماه نیز جمعیت دهک‌های چهارم تا نهم ۴۵ میلیون و ۱۷۵ هزار و ۶۱۰ نفر اعلام شده بود؛ بنابراین افزایش خرداد تاثیر بسیار محدود و در حدود ۲۸۲ نفر بوده، اما در فاصله تیر تا مرداد رشد بسیار بیشتری ثبت شده است.

مقایسه با اردیبهشت نیز نشان می‌دهد جمعیت این گروه از ۴۵ میلیون و ۳۲۷ هزار و ۶۸۲ نفر در اردیبهشت به ۴۵ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۵۶۹ نفر در مرداد رسیده است؛ یعنی طی سه ماه حدود ۱۹۲ هزار نفر به جمعیت دهک‌های چهارم تا نهم اضافه شده‌اند. در مردادماه، سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها اعلام کرد یارانه نقدی مرحله ۱۸۶ برای ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار و ۹۹۸ سرپرست خانوار در دهک‌های چهارم تا نهم واریز شده است. مبلغ این یارانه نیز برای هر فرد ۳۰۰ هزار تومان بوده و مجموع اعتبار پرداختی به این گروه حدود ۱۳۵ هزار و ۱۳۰ میلیارد ریال اعلام شده است. این رقم در تیرماه ۱۵ میلیون و ۶۵۵ هزار و ۸۵۹ سرپرست خانوار بود؛ بنابراین تعداد سرپرستان دریافت‌کننده یارانه در این گروه در فاصله یک ماه حدود ۱۵ هزار نفر افزایش داشته است. جمع دو گروه اصلی دریافت‌کننده یارانه در مردادماه نشان می‌دهد حدود ۷۳ میلیون و ۴۳۷ هزار و ۷۱۲ نفر در دهک‌های اول تا نهم قرار داشته‌اند. به بیان دیگر، در مردادماه حدود ۲۸.۲ میلیون نفر در سه دهک نخست و حدود ۴۵.۲ میلیون نفر در دهک‌های چهارم تا نهم قرار داشته‌اند.

این ارقام نشان می‌دهد اگرچه سیاست حذف یارانه دهک‌های پردرآمد در سال‌های گذشته موجب خروج بخشی از جمعیت از فهرست دریافت‌کنندگان شده، در سال جاری حذف قابل توجهی صورت نگرفته و همچنان بخش بزرگی از جمعیت کشور در یکی از دو گروه مشمول یارانه نقدی قرار دارد.

چرانداده یارانه‌بگیران تغییر می‌کند؟

تغییر تعداد افراد قرار گرفته در دهک‌ها لزوماً به معنای تولد یا خروج واقعی افراد از جمعیت کشور نیست. دهک‌بندی براساس داده‌های اقتصادی خانوارها انجام می‌شود و با به‌روزرسانی اطلاعات درآمد، دارایی، تراکنش‌های بانکی و سایر شاخص‌های مورد استفاده در پایگاه رفاه ایرانیان، جایگاه برخی خانوارها می‌تواند تغییر کند.

افزایش ۲۵ هزار و ۶۵۰ نفری جمعیت دهک‌های اول تا سوم در خردادماه نمونه‌ای از این جابه‌جایی است. در مقابل، در تیرماه جمعیت این سه دهک اندکی کاهش یافت و در مردادماه مجدداً افزایش پیدا کرد.

آرمان ملی - صدیقۀ یهزادپور: درحالی که در نیمه نخست سال شاهد افزایش قیمت نرخ مسکن پس از مدت‌ها سکون و سکوت در آن بودیم، اما در آستانه ورود به نیمه دوم سال، همچنان نشانه‌ای از خروج جدی معاملات از رکود دیده نمی‌شود. بازاری که از یک سو با کاهش قدرت خرید متقاضیان مواجه است و از سوی دیگر، تحت تأثیر تورم عمومی اقتصاد، با افزایش هزینه‌ها و قیمت‌ها دست و پنجه نرم می‌کند. کارشناسان معتقدند؛ در چنین شرایطی، اگرچه حجم معاملات پایین است، اما این رکود معاملاتی به معنای کاهش قیمت مسکن نیست و نمی‌توان انتظار داشت که ادامه رکود، الزاماً به ارزان شدن خانه منجر شود.

کاهش قیمت مسکن؟

به گزارش «آرمان ملی»، ایرج رهبر، رئیس کمیسیون عمران، احداث و امور زیربنایی اتاق بازرگانی تهران در این باره گفت: در شرایط فعلی نباید انتظار کاهش قیمت مسکن را داشت. خرید و فروش در بازار همچنان در رکود کامل قرار دارد و این وضعیت از گذشته تاکنون ادامه پیدا کرده است، اما همزمان تورم موجود در کشور به صورت ماهانه بر بخش‌های مختلف اقتصادی اثر می‌گذارد و بازار مسکن نیز از این روند مستثنی نیست. رهبر با تأکید بر اینکه افزایش قیمت‌ها در شرایط تورمی روندی طبیعی است، افزود: رکود معاملاتی لزوماً به معنای کاهش قیمت نیست. به بیان دیگر، ممکن است تعداد معاملات در بازار پایین باشد و بسیاری از متقاضیان امکان خرید نداشته باشند، اما این مسئله به خودی خود نمی‌تواند زمینه‌های هزینه‌های ساخت و در نهایت کاهش قیمت تمام شده مسکن را فراهم کند.

کاهش قدرت خرید مردم

او معتقد است: یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده وضعیت معاملات، قدرت خرید مردم است. زمانی که خانوارها از توان مالی کافی برای خرید برخوردار باشند، تقاضا وارد بازار می‌شود و معاملات افزایش پیدا می‌کند، اما در شرایطی که توان خرید کاهش یافته باشد، طبیعی است که بازار با افت معاملات مواجه شود. در چنین وضعیتی، بخش محدودی از تقاضای موجود نیز بیشتر به سمت واحدهای کوچک متراژ و ارزان‌تر حرکت می‌کند؛ واحدهایی که نسبت به سایر گزینه‌های موجود، امکان خرید آنها برای بخشی از متقاضیان بیشتر است. رهبر ادامه داد: بنابراین مسئله اصلی بازار مسکن تنها میزان عرضه یا تعداد واحدهای موجود نیست، بلکه توانایی خریدار برای تأمین هزینه خرید نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. وقتی قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کنند اما درآمد و قدرت خرید متناسب با آن رشد نمی‌کند، فاصله میان قیمت مسکن و توان مالی خانوارها بیشتر می‌شود و نتیجه آن، کاهش معاملات و عمیق‌تر شدن رکود خواهد بود.

قیمت مصالح ساختمانی

رئیس انجمن انبوه‌سازان تهران ادامه داد: یکی از موضوعاتی که همواره در بررسی وضعیت بازار مسکن مورد توجه قرار می‌گیرد، وضعیت تولید و تأمین مصالح ساختمانی است. افزایش قیمت مصالح می‌تواند

مستقیماً هزینه ساخت و ساز را بالا ببرد و در نهایت بر قیمت تمام شده ساختمان اثر بگذارد. بااین حال، رهبر تأکید می‌کند که در شرایط فعلی، مشکل اصلی صنعت ساختمان کمبود فیزیکی مصالح نیست، بلکه مسئله گرانی آنهاست. او تأکید کرد: کشور از نظر تولید بسیاری از مصالح ساختمانی با کمبود مواجه نیست و حتی بخشی از تولیدات مازاد به کشورهای دیگر صادر می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که از منظر میزان تولید، ظرفیت قابل توجهی در بخش مصالح ساختمانی وجود دارد و نمی‌توان وضعیت موجود بازار مسکن را صرفاً به کمبود مصالح نسبت داد. این تحلیلگر بازار مسکن افزود: بررسی وضعیت مصالح ساختمانی نیز نشان می‌دهد که مسئله اصلی را نمی‌توان صرفاً در کمبود نهاده‌ها جست‌وجو کرد. تولید فولاد و سیمان در کشور در سطحی قرار دارد که حتی امکان صادرات بخشی از تولید فراهم است و در برخی محصولات فولادی نیز کاردند مانند میلگرد و تیرآهن توسط کارخانه‌های مختلف تولید می‌شوند و از نظر تأمین این اقلام، مشکل خاصی وجود ندارد. وی یادآور شد: این تفکیک از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که در تحلیل وضعیت بازار ساختمان، هرگونه کاهش تولید در یک بخش نباید به عنوان کمبود عمومی مصالح ساختمانی تلقی شود. در واقع، به گفته رهبر، ظرفیت تولید در بخش‌های مختلف همچنان وجود دارد و آنچه بیش از کمبود فیزیکی، بازار ساختمان را تحت فشار قرار داده، افزایش هزینه‌ها و گرانی مصالح است.

وضعیت خوب فولاد و سیمان

رهبر حتی وضعیت تولید فولاد با وجود مشکلات حادث شده را مطلوب ارزیابی و بیان کرد: میزان تولید فولاد در کشور مطلوب و حتی بیشتر از مصرف داخلی است و بخش قابل توجهی از این تولید مازاد راهی بازارهای خارجی می‌شود. مقصد بخشی از این صادرات نیز کشورهای آسیای میانه است و برای انتقال آن الزاماً نیازی به حمل‌ونقل دریایی وجود ندارد و امکان استفاده از خطوط ریلی برای این منظور فراهم است. او باره بازار سیمان نیز گفت: این وضعیت در بخش سیمان نیز مشاهده می‌شود. تولید سیمان در کشور در سطح بالایی قرار دارد و میزان مصرف داخلی فاصله قابل توجهی با میزان تولید دارد. تورم عمومی اقتصاد باعث افزایش هزینه‌ها شده و قیمت مسکن نیز نمی‌تواند کاملاً از این روند جدا

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با رئیس انجمن انبوه‌سازان تهران بررسی کرد

دوگانگی بازار مصالح ساختمانی و ساخت‌وساز



سیمان نهایی صورت می‌گیرد.

تناقض بزرگ بازار مسکن

به گفته این کارشناس بازار مسکن، بازار مصالح ساختمانی با یک تناقض در حوزه ساخت و ساز و مصالح ساختمانی روبروست و آن اینکه؛ از یک طرف ظرفیت تولید در بخش‌هایی مانند فولاد و سیمان بالاست و حتی امکان صادرات مازاد تولید وجود دارد و از طرف دیگر، قیمت این نهاده‌ها برای مصرف‌کننده داخلی بالاست و همین افزایش قیمت‌ها به یکی از عوامل مؤثر بر هزینه ساخت ساختمان تبدیل می‌شود. رهبر درباره محصولات فولادی نیز معتقد است که باید میان اقدام مختلف تفاوت قائل شد. اگرچه در تولید برخی محصولات فولادی مانند ورق مشکلاتی وجود دارد و میزان تولید کل فولاد نیز تا حدودی کاهش پیدا کرده است، اما این مسئله به معنای کمبود عمومی تمامی محصولات فولادی مورد استفاده در ساخت‌وساز نیست. محصولاتی مانند میلگرد و تیرآهن توسط کارخانه‌های مختلف تولید می‌شوند و از نظر تأمین این اقلام، مشکل خاصی وجود ندارد. وی یادآور شد: این تفکیک از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که در تحلیل وضعیت بازار ساختمان، هرگونه کاهش تولید در یک بخش نباید به عنوان کمبود عمومی مصالح ساختمانی تلقی شود. در واقع، به گفته رهبر، ظرفیت تولید در بخش‌های مختلف همچنان وجود دارد و آنچه بیش از کمبود فیزیکی، بازار ساختمان را تحت فشار قرار داده، افزایش هزینه‌ها و گرانی مصالح است.

خانه‌های کوچک متراژ

رهبر ادامه داد: در چنین شرایطی، بازار مسکن همزمان از دو جهت تحت فشار قرار گرفته است. از یک سو، قدرت خرید متقاضیان کاهش یافته و همین موضوع موجب شده معاملات در سطح پایینی باقی بماند و تقاضا بیشتر به سمت واحدهای کوچک‌تر و ارزان‌تر هدایت شود. از سوی دیگر، تورم عمومی اقتصاد باعث افزایش هزینه‌ها شده و قیمت مسکن نیز نمی‌تواند کاملاً از این روند جدا

باشد. از این رو، تداوم رکود معاملاتی را نمی‌توان به معنای نزدیک شدن بازار به کاهش قیمت دانست. وقتی هزینه‌های مختلف مرتبط با تولید ساختمان همچنان تحت تأثیر تورم قرار دارند، کاهش تعداد معاملات الزاماً به کاهش قیمت تمام شده منجر نمی‌شود. در چنین بازاری ممکن است خریدار توان خرید نداشته باشد و فروشنده نیز با کاهش معاملات مواجه شود، اما قیمت‌ها همچنان در مسیر صعودی قرار بگیرند.

مسکن در نیمه دوم سال

او درباره چشم‌انداز بازار مسکن در نیمه دوم سال گفت: نیمه دوم سال نیز نباید انتظار داشت رکود موجود به تنهایی زمینه‌ساز ارزانی خانه شود، در حقیقت تا زمانی که تورم در اقتصاد ادامه دارد، افزایش هزینه‌ها بر بازار مسکن اثر خواهد گذاشت و از سوی دیگر، پایین بودن قدرت خرید خانوارها می‌تواند مانع از افزایش محسوس معاملات شود. رهبر توضیح داد: در واقع، بازار مسکن در شرایطی قرار گرفته که نه امکان رونق گسترده معاملات به دلیل محدودیت قدرت خرید وجود دارد و نه از سوی دیگر، شرایط لازم برای کاهش قیمت‌ها فراهم است. در چنین بازاری، آنچه بیشتر دیده می‌شود، ادامه رکود همراه با افزایش قیمت‌هاست؛ وضعیتی که در آن متقاضیان به سمت واحدهای کوچک متراژ و ارزان‌تر حرکت می‌کنند و بخش قابل توجهی از جامعه عملاً از بازار خرید مسکن فاصله می‌گیرد. رهبر تأکید کرد: بازار مسکن همچنان در نقطه‌ای قرار دارد که میان قدرت خرید مردم و هزینه تمام شده ساختمان فاصله قابل توجهی شکل گرفته است؛ فاصله‌ای که نتیجه آن کاهش توان خرید، محدود شدن معاملات و تداوم رکود است، بدون آنکه الزاماً به کاهش قیمت مسکن منجر شود. در چنین شرایطی، چشم‌انداز بازار بیش از آنکه نویددهنده ارزانی باشد، از ادامه بازاری حالت‌دار که در آن تورم از یک سو هدایت‌بخش و از تحت فشار قرار می‌دهد و کاهش قدرت خرید از سوی دیگر، امکان معامله را محدود می‌کند.

سهامیه بنزین خودروهای نو شماره در دست بررسی



است که با افزایش قیمت کارخانه‌ای، یک خودروی مشابه می‌تواند برای دو خریدار، وضعیت متفاوتی در سهمیه بنزین ایجاد کند؛ به طوری که مالک خودرویی که پیش از افزایش قیمت آن راتحول گرفته، سهمیه یارانه‌ای دریافت کند، اما خریدار همان خودرو پس از عبور قیمت کارخانه‌ای از یک میلیارد تومان، از قیمت کارخانه‌ای بالاتر از یک میلیارد گرفته‌اند. در نتیجه، معیار یک میلیارد تومانی عملاً از شرایط اقتصادی زمان تصویب فاصله گرفته است. این در حالی

پوشش می‌داد، اما افزایش قیمت‌های کارخانه‌ای طی ماه‌های اخیر باعث شده دامنه این مشمولیت به شدت محدود شود. بررسی قیمت‌های شهریورماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد تمام محصولات ایران خودرو قیمتی بالاتر از یک میلیارد تومان دارند و در میان محصولات سایپا نیز تنها پنج محصول زیر این سقف قرار گرفته‌اند. در نتیجه، معیار یک میلیارد تومانی عملاً از شرایط اقتصادی زمان تصویب فاصله گرفته است. این در حالی

نکته

اوراق سکه

می‌تواند رقیب بازار شود؟

بانک مرکزی با انتشار نخستین اوراق سلف مواری استاندارد تمام سکه بانماد «عسکه ۲»، علاوه بر ایجاد ابزاری جدید برای سرمایه‌گذاری در بازار طلا، حداقل بازدهی هفت درصدی را برای این اوراق در سررسید سه ماهه تضمین کرده است؛ نرخی که به نظر می‌رسد با هدف افزایش جذابیت این ابزار و هدایت بخشی از تقاضای احتیاطی بازار طلا به یک بستر رسمی و تحت نظارت طراحی شده است.

به گزارش ایسنا، بانک مرکزی ۱۸ شهریورماه برای نخستین بار اوراق سلف مواری استاندارد تمام سکه را بانماد «عسکه ۲» از طریق بورس کالای ایران عرضه کرد. در مرحله نخست این طرح، ۱۰۰۰ هزار قطعه سکه تمام بهار آزادی ضرب سال ۱۳۸۶ در قالب این اوراق عرضه شد و سررسید اوراق نیز سه ماه تعیین شده است. سیاست‌گذار پولی بااین رویکرد تلاش کرده سود تضمین شده در اقتصاد را برای خریداران اوراق سلف مواری استاندارد سکه در نظر بگیرد تا این ابزار بتواند تقاضای احتیاطی و هیجانی بازار را که موجب التهاب در بازار طلا و ارز می‌شود، جذب کند.

اما این اقدام را می‌توان از دو زاویه مورد توجه قرار داد؛ از یک سو، بانک مرکزی و بازار سرمایه در تلاش هستند ابزار جدیدی برای سرمایه‌گذاری در طلا ایجاد کنند و از سوی دیگر، سیاستگذار پولی می‌خواهد بخشی از تقاضای موجود برای خرید فیزیکی سکه و طلا را به سمت یک ابزار مالی رسمی منتقل کند.

در این میان، مهم‌ترین ویژگی «عسکه ۲» برای سرمایه‌گذار، پیش‌بینی حداقل بازدهی هفت درصدی در سررسید است. بر اساس سازوکار تعیین شده، دارنده اوراق در سررسید می‌تواند مطابق شرایط اعلام شده نسبت به دریافت فیزیکی سکه اقدام کند یا با استفاده از اختیار فروش، اوراق خود را با قیمتی معادل هفت درصد بیشتر از قیمت کشف شده در روز انتشار به فروش برساند.

چرا درصد؟

اما پرسش مهم این است که چرا بانک مرکزی برای یک اوراق سه ماهه، بازدهی هفت درصدی را در نظر گرفته است؟

به نظر می‌رسد هدف سیاستگذار پولی از تعیین سود هفت درصدی برای این اوراق، افزایش جذابیت این ابزار نسبت به سایر روش‌های حفظ ارزش پول است. بانک مرکزی سود ماهانه ۲.۳ درصدی را برای این اوراق در نظر گرفته است؛ نرخی که در صورت سالانه سازی معادل ۲۸ درصد خواهد بود. این نرخ حاصل میانگین نرخ سود تضمین شده اوراق فرابورس و سایر روش‌های سرمایه‌گذاری با سود تضمین شده در بازار سرمایه، مانند برخی صندوق‌های سرمایه‌گذاری یا صندوق‌های مبتنی بر دارایی است.

با توجه به سازوکار اعلام شده، این نرخ را می‌توان بخشی از طراحی اقتصادی ابزار جدید دانست؛ چرا که اگر بازدهی تضمین شده برای چنین اوراقی در نظر گرفته نمی‌شد، سرمایه‌گذار در انتخاب میان خرید «عسکه ۲» و سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری ممکن بود جذابیت کمتری برای این ابزار احساس کند. البته باید توجه داشت که بازدهی هفت درصدی به معنای پرداخت سود نقدی ماهانه به دارنده اوراق نیست. این بازدهی در سررسید و در قالب سازوکار اختیار فروش و تسویه اوراق معنا پیدا می‌کند. بنابراین مقایسه آن با نرخ سود سپرده یا ابزارهای دیگر باید با توجه به تفاوت ساختار، سررسید و نحوه تسویه انجام شود.

جذب تقاضای احتیاطی

اهمیت این نرخ زمانی بیشتر مشخص می‌شود که هدف سیاستگذار از انتشار «عسکه ۲» را در نظر بگیریم. بانک مرکزی اعلام کرده که این اوراق با هدف توسعه ابزارهای مالی، فراهم‌کردن امکان سرمایه‌گذاری در بازار طلا و کنترل نقدینگی منتشر شده است.

بازار طلا و سکه در اقتصاد ایران همواره یکی از مقصدهای مهم سرمایه‌های سرگردان و تقاضای احتیاطی بوده است. بخشی از تقاضا در این بازار نه برای مصرف، بلکه با هدف حفظ ارزش دارایی در برابر تورم و نوسانات ارزی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، ایجاد ابزاری که هم به قیمت سکه متصل باشد و هم بازدهی حداقلی را برای سرمایه‌گذار تضمین کند، می‌تواند بخشی از این تقاضا را از بازار فیزیکی به بازار مالی منتقل کند.

به بیان دیگر، «عسکه ۲» قرار است میان علاقه سرمایه‌گذاران به طلا و یکسو و اهداف سیاستگذار برای مدیریت نقدینگی و کاهش فشار تقاضای هیجانی در بازارهای دارایی از سوی دیگر، یک پیوند ایجاد کند.

در این چارچوب، نرخ هفت درصدی را می‌توان بخشی از مشوق‌های طراحی شده برای انتقال این تقاضا دانست؛ زیرا سرمایه‌گذار علاوه بر آنکه همچنان در معرض تغییرات قیمت دارایی پایه یعنی سکه قرار دارد، در سررسید از یک حداقل بازدهی نیز برخوردار خواهد بود.

ویژگی دیگر «عسکه ۲» این است که سرمایه‌گذار در سررسید صرفاً محدود به تسویه نقدی نیست و امکان دریافت فیزیکی سکه نیز برای او پیش‌بینی شده است. همین موضوع، این ابزار را از برخی گزینه‌های صرفاً مالی متمایز می‌کند.